

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 8, Autumn 2020, 1-15
Doi: 10.30465/crts.2020.27830.1641

The Analysis and Critique of the *French Phonetics*

Mohamad-Hossein Otroshi*

Abstract

In the field of phonetics of French as a foreign language, studies have been conducted in recent decades, among which *French Phonetics* can be considered as the first book for Iranian students in undergraduate and postgraduate of French as a foreign language. In this paper, using a methodological analysis, based on the position and the role of phonetic ability in the communicative-actional approaches and the methods of phonetics in the teaching of foreign languages, we tried to evaluate the *French Phonetics* with respect to the goals and needs of French language teaching. The results showed that the book's educational approach is a combination of articulatory and descriptive phonetics which only focuses on phonetic foreign language teaching (Parisian French pronunciation), regardless of the diversity of Iranian students' first language. Considering the scientific developments in the field of foreign language teaching, linguistics, and in particular phonetics (such as verbo-tonal method and acoustic phonetics based on the use of technology), this textbook, even in the eighth edition, has failed to keep pace with the current trends in the field and could not fulfill the needs of French language teaching and learning in the context of Iran.

Keywords: Language Teaching, French as Foreign Language, Phonetics, Communicative Approaches, Actional Perspective.

* Assistant Professor of French Language, Teaching FFL, University of Isfahan, Isfahan, Iran,
Mh.otroshi@fhn.ui.ac.ir

Date received: 2020-05-14, Date of acceptance: 2020-09-06

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و نقد کتاب آواشناسی فرانسه

محمدحسین اطروشی*

چکیده

در زمینه آواشناسی زبان فرانسه، به‌عنوان زبان خارجی در دهه‌های اخیر، مطالعات و پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله اولین کتاب‌های آموزشی برای دانشجویان ایرانی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان فرانسه کتاب *آواشناسی فرانسه* را می‌توان نام برد. در این مقاله، با استفاده از تحلیل روش‌مند مبتنی بر جایگاه و نقش توانش آوایی در رویکردهای ارتباطی - کنشی (communicativo-actionnelles) و روش‌های آواشناسی به‌روز در آموزش زبان‌های خارجی، سعی شده تا کتاب *آواشناسی فرانسه* در جهت تحقق اهداف و نیازهای آموزش زبان فرانسه بررسی و نقد شود. تحلیل‌های انجام‌شده بیان‌گر این نکته‌اند که رویکرد آموزشی کتاب مدنظر ترکیبی از آواشناسی عضوی (phonétique articulatoire) و توصیفی (phonétique descriptive) با تمرکز بر آموزش آوایی زبان خارجی (مدل فرانسه معیار پارسی) بدون در نظر گرفتن گونه کاربرد آن و تنوع زبان مادری زبان‌آموزان ایرانی است و با توجه به پیشرفت‌های علمی در زمینه آموزش زبان‌های خارجی، زبان‌شناسی و به‌ویژه آواشناسی (از قبیل روش آهنگی - کلامی (phonétique verbo-tonale) و آواشناسی فیزیکی (phonétique acoustique) مبتنی بر به‌کارگیری فناوری)، این کتاب آموزشی نتوانسته با وجود هشتمین دوره چاپ، هم‌گام با دانش روز و در جهت نیازهای فعلی یاددهی/یادگیری آوای زبان فرانسه حرکت کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان، زبان فرانسه، آواشناسی، رویکردهای ارتباطی - کنشی.

* استادیار گروه زبان فرانسه، آموزش زبان فرانسه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، Mh.otroshi@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

۱. مقدمه

ارتباط واقعی و احساسی با هر زبان با آواهای آن زبان شروع می‌شود. لذا در آموزش زبان‌ها، آواشناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که مبنای توانش ارتباطی را شکل می‌دهد. آواشناسی برای مدرسان و زبان‌آموزان همواره حوزه حساسی است که فرایند یاددهی / یادگیری را تحت‌تأثیر مستقیم قرار می‌دهد و حضور این محتوای آموزشی در کلاس و کتاب‌های آموزشی زبان خارجی ضروری است. با شکل‌گیری روش‌های جدید آموزش زبان‌ها (به‌ویژه زبان‌های خارجی)، آموزش زبان بر مبنای توانش ارتباطی نقش برجسته‌تری یافته و رویکردهای جدید آموزشی مانند ارتباطی و کنشی بر توانش آواشناسی زبان‌آموزان تأکید دارند؛ زیرا تولید آوایی صحیح فرایند تولید زبانی و در نتیجه ارتباط در آن زبان را تحت‌تأثیر مستقیم قرار می‌دهد و بر اساس تعریف چهارچوب مشترک اروپایی زبان‌ها، در فراگیری زبان خارجی از جمله توانش‌های زبانی پایه «کسب توانایی شناسایی صداها، کلمات و بازتولید آن‌ها یا به‌عبارتی توانایی آواشناسی است» (11: 2005: CECRL). در پیش‌گفتار کتاب *آواشناسی فرانسه* نیز نویسندگان بر این نکته تأکید دارند که آواشناسی شالوده آموزش زبان را شکل می‌دهد و درک بینابین راه، که عملکرد اساسی زبان است، تضمین می‌کند. سؤالی مطرح می‌شود که آیا این کتاب آموزشی، که در نظریه‌های آواشناسی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی ریشه دارد، قادر است به نیازها و اهداف آموزش زبان فرانسه در عصر رویکردهای ارتباطی و کنشی و ظهور روش‌های آواشناسی جدید در امر آموزش زبان‌های خارجی پاسخ دهد؟ در ادامه، به‌منظور پاسخ به این سؤال اساسی سعی خواهد شد تا این کتاب آموزشی از دو دریچه تحلیل ساختار ظاهری و ارزیابی محتوایی با تحلیلی روش‌مند مبتنی بر جایگاه و نقش توانش آوایی در فرایند یاددهی / یادگیری بررسی و نقد شود.

۲. معرفی و توصیف ساختار کتاب

کتاب *آواشناسی فرانسه* تألیف گیتی دیهیم و مهوش قویمی (اولین چاپ به سال ۱۳۶۶ در مرکز نشر دانشگاهی)، به زبان فرانسه متناسب با سطح زبانی A2 به بالا در شش فصل به‌رشته تحریر درآمده است. این کتاب با مقدمه‌ای کوتاه، که به مقایسه نظام آوایی زبان فرانسه و فارسی می‌پردازد، و فصل اول با کلیات آواشناسی فرانسه معیار شروع می‌شود. طبقه‌بندی و مکانیک تولید آوایی واژه‌های زبان فرانسه با کمک تصویر و توضیحات

موضوع فصل دوم و سوم است. فصل چهارم نیز مکانیک بازتولید مصوت‌ها و نیمه‌مصوت‌های زبان فرانسه را مانند بخش‌های قبلی ارائه می‌کند. فصل پنجم تأثیر آواها در یک‌دیگر را در زنجیره گفتار و برخی قواعد آوایی زبان فرانسه مورد توجه قرار می‌دهد. نوای گفتار (مطالعه ویژگی‌های آوایی) زبان فرانسه نیز به‌عنوان ویژگی زبرزنجیری گفتار در آخرین فصل بررسی و مطالعه می‌شود. گفتنی است که هر فصل با برخی از تمرین‌های نشست‌گرفته از محتوای بخش به‌پایان می‌رسد.

آخرین دوره چاپ این کتاب آموزشی به سال ۱۳۹۲ بازمی‌گردد. با وجود هشت دوره تجدیدچاپ، طرح ساده جلد، صفحه‌آرایی و نوع و اندازه قلم (فرانسه و فارسی) دست‌خوش هیچ تغییری نشده و به‌ویژه نوع قلم (تایپ دستی) برای خوانندگان امروزی چشم‌نواز به‌نظر نمی‌رسد. با وجود محدودیت در ماشین‌های نگارش قدیمی، علائم سجاوندی و الفبای بین‌المللی آوانگاری در متن به‌خوبی رعایت شده و وجود جدول آواهای زبان فرانسه با مثال در ابتدای کتاب به زبان‌آموزان این امکان را می‌دهد تا آوانگاری‌های داخل متن قابل‌فهم‌تر باشد. از نکات آموزشی مفید برای دانشجویان به‌منظور آشنایی و فهم بهتر متن تخصصی کتاب فرهنگ بیست‌صفحه‌ای «اصطلاح‌شناسی آوایی و توضیحات» در پایان کتاب است که برخی از اصطلاحات تخصصی آواشناسی به زبان فرانسه را به‌همراه توضیحاتی مختصر و مفید برای مخاطبان فارسی‌زبان در بر می‌گیرد.

در قسمت منابع و مآخذ مورد استفاده در نگارش این کتاب آموزشی، نام پانزده اثر دیده می‌شود و این درحالی است که بیش‌تر از نظریات دو محقق فرانسوی، مارتینه (Martinet) و لئون (Léon) در تنظیم محتوای کتاب استفاده شده است. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، اولین چاپ این اثر در سال ۱۳۶۶ است که به‌روزترین منبع به‌کارگرفته‌شده متعلق به سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴ م) است. از طرفی مشخصاً منابع مورد استفاده در نگارش به‌روز نیست و از تحقیقات و مطالعات میدانی در آموزش آواهای زبان فرانسه با توجه به روش‌های آموزشی دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی مانند کلاماند (Callamand 1981)، کالبریس (Calbris 1975, 1981)، لاندرسی و رنار (Landercy et Renard 1977)، رنار (Renard 1979)، مازل (Mazel 1980)، و همچنین نتایج به‌دست‌آمده از آموزش آواشناسی این زبان در دیگر کشورها از قبیل دولتر (Delattre 1951, 1966, 1965) و کمپنی (Companys 1966) بهره‌ای برده نشده و بیش‌تر بر استفاده از منابعی تأکید شده که به ساختار و تصحیح آوایی زبان فرانسه می‌پردازند. گفتنی است که محققان ایرانی مانند معصومه قریب (۱۳۴۴) و سیمین‌دخت جهان‌پناه (۱۳۶۴) در مطالعات خود به بررسی تفاوت‌های آوایی زبان فارسی و فرانسه و هم‌چنین بررسی و

خطایابی برخی مشکلات فارسی‌زبانان در یادگیری نظام آوایی زبان فرانسه پرداخته بودند که در اثر یادشده اشاره‌ای به این تحقیقات نشده است. از طرف دیگر، رعایت اصل علمی ارجاع‌دهی در درون متن یا در پانویس (برای مثال جدول‌های آوایی زبان فرانسه در صفحات ۹، ۱۱، و ۳۱ و تصاویر چگونگی بازتولید آواها در صفحات ۷۹ تا ۸۱) به‌خوبی انجام نگرفته است.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی

هدف اصلی کتاب با توجه به گفته نویسنده‌گان در قدم اول شناساندن نظام آوایی زبان فرانسه است. در نتیجه، مسئله‌مندی کتاب مبتنی بر آشناساختن زبان‌آموزان به چگونگی تولید آواهای زبان فرانسه است. اما از طرفی، چهارچوب نظری، رویکرد آموزشی یا نوع آواشناسی برای این منظور برای مدرسان به‌خوبی تبیین نشده است. آواشناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است و مطالعه آواهای زبان با روش‌های گوناگونی نظیر فیزیکی، عضوی، شنیداری (phonétique auditive)، ترکیبی (phonétique combinatoire)، توصیفی، تحولی (phonétique évolutive)، و تجربی (phonétique expérimentale) انجام می‌شود. در کتاب یادشده، نه تنها در دیباچه و مقدمه کتاب، بلکه در متن آن نیز به‌طور دقیق و واضح به رویکرد و کاربرد غالب اشاره‌ای نشده و توضیح داده نشده است. از طرف دیگر، جامعه هدف و نیاز(های) آموزشی به‌خوبی شناسایی نشده‌اند. هدف بعدی شناساندن معیارهای تولید آوایی این زبان خارجی یا تلفظ فرانسه معیار پارسی براساس مدل ارائه‌شده توسط لئون (Léon 1966) است. در پایان نیز عملکرد زبان‌شناختی آواها در بطن نظام آوایی مدنظر قرار گرفته است. برای تحقق اهداف ذکرشده، به‌اعتقاد نویسندگان، از بیان ساده به زبان فرانسه برای ارائه محتوا استفاده شده، زیرا مخاطب‌های این کتاب آموزشی زبان‌آموزان زبان فرانسه و به‌ویژه دانشجویان ایرانی کارشناسی زبان فرانسه در گرایش‌های ادبیات و مترجمی هستند که شناخت نظام آوایی و قواعد اساسی تلفظ این زبان خارجی برای آن‌ها ضروری است. بدین‌منظور، دانشجویان باید تمرین‌های آوایی زیادی انجام دهند و با نوشتار و دیکته آوایی تمرین داده شوند. گروه آموزشی دیگری که مخاطب قرار گرفته دانشجویان کارشناسی ارشد (ادبیات، مترجمی، و آموزش) هستند که می‌توانند از محتوای آموزشی کتاب (مطالعه دقیق‌تر آواهای زبان فرانسه، توضیحات کافی درباره ظرافت‌های تلفظ این زبان و ملاحظات واج‌شناسی ارائه‌شده) بهره ببرند.

همان‌گونه که در قسمت قبلی گفته شد، مقدمه کتاب به‌شکلی خلاصه از طریق تجزیه و تحلیل تقابلی نظام آوایی زبان فرانسه و فارسی سعی در پیش‌بینی نظری نظام خطاهای آوایی زبان‌آموزان ایرانی دارد؛ اما باید خاطر نشان کرد که این روش نمی‌تواند نوعی شناساگر نظام‌مند و بی‌ابهام درباره جهت‌گیری و توزیع خطاهای زبان‌آموزان فراهم آورد. در روش تقابلی، آواهای زبان خارجی که در زبان مادری زبان‌آموز وجود ندارند و ممکن است منبع خطای آوایی باشند پیش‌بینی می‌شوند؛ اما عواملی از قبیل نواخت، ضرب‌آهنگ، هجابندی، ترکیب آوایی و غیره، که بر شنیدار زبان‌آموز تأثیرگذار است و ممکن است از گروه زبانی و حتی فرد به‌فرد متغیر باشد، پیش‌بینی‌پذیر نیستند. به‌نظر نویسندگان، مدرسانی نیز که وظیفه تدریس آواشناسی زبان فرانسه را برعهده دارند، اما آموزش لازم را در این زمینه ندیده‌اند می‌توانند از محتوای آموزشی این کتاب استفاده کنند و بدین‌منظور واژه‌شناسی این رشته تخصصی در پایان کتاب اضافه شده است. شایان ذکر است که شناخت چگونگی تولید نقش مهمی در تدریس دارد؛ اما آنچه نقش تعیین‌کننده‌تر در آموزش آواشناسی ایفا می‌کند روش کارآمد در شناسایی خطا و اصلاح آوایی زبان‌آموزان است. در فصل‌های کتاب پیش‌نهادهای آموزشی در بازتولید آوایی برخی آواهای زبان فرانسه که در زبان فارسی وجود ندارند ارائه شده و در بخش کلیات، جدول‌های مقایسه آواهای زبان فرانسه با فارسی سعی دارد مشکلات بازتولید آوایی و انتخاب پیشرفت مناسب برای زبان‌آموزان را طبقه‌بندی کند. باوجوداین، کتاب آموزشی یادشده از این نظر دچار خلأ روش‌شناسایی و اصلاح خطاهای آوایی است.

نویسندگان در قسمت پایانی پیش‌گفتار پیش‌نهاد می‌کنند که قواعد آوایی فراگرفته‌شده براساس این کتاب آموزشی در آزمایشگاه زبان و با کمک تمرین‌های آوایی تقویت شوند؛ امری که مستلزم تجهیزات آزمایشگاهی است که در بیش‌تر مراکز آموزش عالی در آن دوره موجود نبوده است. لذا، رویکرد آموزشی پیش‌نهادی بدین ترتیب است که زبان‌آموزان به‌صورت فردی یا گروهی کلمات دارای آوا یا آواهای تدریس‌شده را بازتولید کنند. سپس، بازتولیداتی که خطای آوایی دارند اصلاح شوند و به‌کمک جفت‌های کمینه نیز تفاوت برخی آواها تمرین شود. به‌منظور آشنایی بیش‌تر با روش‌های تصحیح آوایی و تمرین‌های گفتاری در صفحه پنج کتاب از مدرسان خواسته شده تا به کتاب *آواشناسی زبان فرانسه* و تصحیح آوایی اثر لئون رجوع کنند که در کتاب‌شناسی ذکر نشده است.

محتوای آموزشی کتاب به‌ترتیب ارائه‌شده مشتمل بر آواشناسی عضوی (چگونگی تولید آوا به‌وسیله اعضای دستگاه آوایی) و تمرین‌های مربوط به آن به‌منظور اصلاح آوایی است. با

هدف حساس کردن زبان‌آموزان به تفاوت‌های میان ساختارهای تولیدی دو زبان، مقدمه کتاب با آواشناسی تطبیقی نظام آوایی زبان فرانسه و فارسی شروع می‌شود. روش‌شناسی غالب در فرایند آموزش آواها و ویژگی‌های آوایی زبان فرانسه به روش آواشناسی عضوی/تولیدی است که به توصیف اندام‌های دستگاه تولید آوایی و روش تولیدشان می‌پردازد؛ هرچند محققانی چون بیلیر (Billières 2015 b) آواشناسی تولیدی را نوعی رویکرد در نظر می‌گیرند، زیرا فقط بر شیوه‌نامه‌هایی که مدرس و زبان‌آموز باید انجام دهند استوار است. به منظور تسهیل آموزش، چگونگی تولید آوا از تصاویر مربوط به حالت‌های زبان و لب‌ها در متن استفاده شده است؛ برای مثال تصاویری درباره نیمه‌صامت‌های زبان فرانسه در صفحات ۱۰۲ تا ۱۰۵. تصاویر استفاده‌شده می‌تواند به فهم زبان‌آموز کمک کند، باوجوداین، نبود فصلی که به شکل مختصر دستگاه تولید آوایی (و نه تنها بخشی از آن) و اصلاحات مربوط به آن را ارائه کند کاملاً احساس می‌شود؛ به‌ویژه این‌که اساس نظری این کتاب آموزشی بر پایه این روش است. باوجوداین که سعی شده چگونگی تولید آواهای زبان خارجی از طریق توصیف اندام‌های دخیل و به‌کارگیری تصویر برای زبان‌آموزان تسهیل شود، باید توجه داشت که فرایند بازتولید در این روش آموزشی کاملاً خودآگاه و کنترل‌شده است و زبان‌آموز صرفاً باید بتواند حرکات دقیق و ظریف اندام‌های تولید آوایی را هماهنگ کند و آواهای جدید را به صورت بی‌نقص بازتولید کند. در این صورت براساس این مدل آموزشی زبان‌آموز توانایی شنیداری آواهای زبان خارجی را به دست می‌آورد. از جمله نقاط ضعف این روش آموزشی، از طرفی، نادیده‌نگاشتن نقش اندام شنیداری و به‌ویژه غربال‌گری آوایی (crible phonologique) است و از طرف دیگر، نیاز به حضور مستمر مدرس به‌عنوان تأییدکننده نهایی درستی آوای تولیدی و هم‌چنین نیاز به استفاده از ابزار آینه برای هر زبان‌آموز به منظور بررسی وضعیت لب‌ها، فک پایینی و بخش جلویی زبان است و به اعتقاد آبری و ولدمان - آبری (Abry et Veldeman-Abry 2007: 52) این روش «پدیده‌های تعادل [میان اعضای دستگاه تولید آوایی] را در نظر نمی‌گیرد که خود هر فرد به‌منظور رسیدن به نتیجه آوایی مطلوب می‌تواند آن را بیابد». باید توجه داشت که روش آموزش و اصلاح آوایی مدنظر کتاب ممکن است در کلاس برای برخی زبان‌آموزان آزاردهنده باشد؛ زیرا زبان‌آموز باید در مقابل چشم دیگران، حرکات عضوی پیچیده و غیرعادی در مقایسه با زبان مادری را بازتولید کند که نبود هماهنگی در بین این حرکات ممکن است به بازتولید آواهایی گاه تمسخرآمیز منجر شود. چنین وضعی، بی‌شک، روحیه و انگیزه زبان‌آموز را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مواردی شاهد حضور آواشناسی توصیفی هستیم که ویژگی‌های آوایی زبان (فرانسه) را توصیف می‌کند؛ برای مثال درباره‌ی واژه‌های خیشومی در صفحات ۶۴ تا ۶۷. اما در بیش‌تر بخش‌ها، آواشناسی ترکیبی در قدم دوم وارد عمل می‌شود و به چگونگی ترکیب آواها با یکدیگر و تغییراتی می‌پردازد که در نتیجه‌ی این ترکیب ایجاد می‌شوند. این روش در بیش‌تر فصل‌های کتاب حضور چشم‌گیری دارد تا حدی که فصل پنجم به آواشناسی ترکیبی و بُعد واجی اختصاص یافته است.

از جمله موارد آموزشی که در کتاب *آواشناسی فرانسه* می‌بایستی جایگاهی خاص برای آن در نظر گرفته می‌شد مشکلات دریافت آواهای زبان فرانسه برای زبان‌آموزان ایرانی با زبان‌های مادری متفاوت است. گفتنی است که در فرایند بازتولید آواها، رابطه‌ای مستقیم، تنگاتنگ، و پیچیده میان دریافت و تولید وجود دارد. به نحوی که چنانچه زبان‌آموز به دلایلی از قبیل غریبال‌گری آوایی دستگاه شنیداری یا آسیب نظام عصبی، قادر نباشد آواها را به صورت درست دریافت کند، بدون تردید، در بازتولید آن‌ها دچار مشکل خواهد بود. سطح آستانه دریافت بسامد آواها به شدت تحت‌تأثیر زبان مادری، سن، و سلامتی دستگاه شنیداری است که لازم است در فرایند یاددهی - یادگیری زبان خارجی به آن توجه ویژه شود. اما در روش تولید عضوی، چگونگی بازتولید آگاهانه آواها بر سازکارها و فرایندهای دریافتی آن‌ها تقدم دارد و حتی آن را نادیده می‌گیرد. وجود آزمون‌های دریافت شنوایی می‌تواند راه‌کار مناسبی برای جبران این کمبود باشد که در کتاب مدنظر نادیده انگاشته شده است. این‌گونه آزمون‌ها می‌توانند مدرس را از ضعف‌های شنوایی زبان‌آموز چه تحت‌تأثیر زبان مادری، چه بر اثر مشکل جسمی آگاه سازند.

آواشناسی اصلاحی ارائه‌شده در چهارچوب روش عضوی یا تولیدی (*méthode articulatoire*) است. اکثر منابع مربوط به آواشناسی اصلاحی در آموزش زبان فرانسه به‌عنوان زبان خارجی از شیوه‌های آواشناسی عضوی به‌منظور اصلاح آوایی بهره می‌برند. در این راستا، مدرسان و زبان‌آموزان فعالیت‌های متنوعی را با در نظر گرفتن شیوه‌نامه‌های تولید آوایی داده‌شده انجام می‌دهند و به اعتقاد بیلیر (2015 a)، بیش‌تر این شیوه‌نامه‌ها توجه نظری ندارند؛ چنان‌که امروزه با به‌کارگیری فناوری‌های جدید سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیاری از این شیوه‌نامه‌ها برای کلاس درس ناکارآمد به نظر می‌رسند. بدین ترتیب، همان‌گونه که در روند آموزشی کتاب مذکور شاهد هستیم، آموزش نظری بر چگونگی بازتولید آواهای زبان فرانسه به‌همراه عبور تدریجی به نوشتار آواها (آوانگارش) مبتنی است. با کمک تمرین‌های آوایی، که به «ژیمناستیک عضوی» معروف‌اند و بیش‌تر در قالب آواهای ایزوله، آواهای

ایزوله متضاد، آوایی در بافت کلمه (و گاهی در جملاقی خارج از بافت ارتباطی)، و کمینه‌های جفتی ارائه می‌شوند، زبان‌آموزان سعی در بازتولید آوای جدید یا مشابه در زبان مادری دارند. در متن و تمرین‌های ارائه‌شده، آوای هدف در قالب کلمات یک یا چندین بار ظهور می‌یابد و شاهد هستیم که برخی از مثال‌ها به خوبی انتخاب نشده، زیرا بازتولید آوایی‌شان نیازمند مهارت زیاد است و از طرفی زبان‌آموزان از نظر درک معنای کلمه دچار مشکل می‌شوند و این کلمات کاربردی در زبان ارتباطی روزمره ندارند؛ برای مثال، در صفحه ۸۲ برای بازتولید صامت [p] کلماتی از قبیل «biceps» و «forcep» ارائه شده‌اند. بدون تردید، زبان‌آموزان ایرانی با زبان‌ها و گویش‌های متنوع در فرایند یادگیری زبان فرانسه با در نظر گرفتن تأثیر زبان مادری دچار خطاهای آوایی گوناگون هستند. به نظر می‌رسد که در کتاب‌های آموزشی مانند این کتاب لازم است در قدم اول خطاهای آوایی ریشه‌یابی و بررسی دقیق شوند که از تداخل زبانی یا زبان بینابین زبان‌آموزان ایرانی نشئت گرفته است. اما در این کتاب به منظور شناسایی خطاها روش و ابزار یا ابزارهای خاصی برای مدرسان و حتی زبان‌آموزان ارائه و توصیف نشده است. این امر در فرایند اصلاح آوایی نیز دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که روش و ابزار علمی که به مدرسان در جهت اصلاح آوایی مدد برساند تعریف نشده است. هر چند نویسندگان با به‌کارگیری آواشناسی تطبیقی (یافتن آوای مشابه در زبان مادری) و توضیحاتی مختصر سعی کرده‌اند آن را تسهیل کنند. تمرین‌های اضافه‌شده در پایان هر فصل نیز بر فراگیری نظری و آوانگارش صداها و ترکیبشان متمرکزند. در نتیجه، می‌توان اذعان کرد که فرایند ریشه‌یابی، شناسایی، و اصلاح خطاهای آوایی زبان‌آموزان نادیده گرفته شده است؛ امری که «هویت و انگیزه فرد» (Lauret 2007: 31) را در فرایند یادگیری زبان خارجی تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد.

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، بنیان روش تولید عضوی بر مقایسه زبان مادری و زبان دوم قرار دارد که در تمرین‌های ارائه‌شده در کتاب نیز شاهد به‌کارگیری این مقایسه‌ها در بازتولید واژه‌ها، مصوت‌ها، و نیمه‌مصوت‌ها هستیم. اما برای آموزش برخی آوای زبان خارجی که در زبان مادری زبان‌آموزان وجود ندارند، راه‌کارهای مشخصی ارائه نمی‌شوند. این‌گونه تمرین‌ها، که برپایه تمرین دادن دستگاه تولید آوایی زبان‌آموزان با آوای ساده و به تدریج پیچیده‌تر (در بافتی تهی) قرار گرفته، فقط از طریق ارائه تصاویر مربوط به چگونگی تولید آواها به شکل بصری به کمک زبان‌آموز می‌آیند. به گونه‌ای که آواها باید به مجموعه‌ای از حرکات عضوی تجزیه شوند تا امکان بازتولیدشان فراهم شود. این فرایند نیازمند به‌خاطر سپردن و کنترل همه حرکات عضوی است تا بتواند به شکل خودکار به

بازتولید آوایی تبدیل شود. ازسویی، تمرکز این نوع تمرین‌ها بیش‌تر بر گروه زبان‌آموزان است و تفاوت‌های فردی در فرایند شنیدار - بازتولید در نظر گرفته نمی‌شوند. ازسوی دیگر، نوع مشکلات آوایی رایج که زبان‌آموزان ایرانی در فرایند یادگیری آوای زبان فرانسه با آن مواجه می‌شوند به‌خوبی واکاوی و ریشه‌یابی دقیق نشده‌اند و در نتیجه شاهد ارائه راه‌کارهای عملی حداقل در چهارچوب روش تولید عضوی برای مدرسان و زبان‌آموزان نیستیم. هم‌چنین شیوه‌نامه‌های دقیق، روشن، و قدم‌به‌قدم برای چگونگی آموزش آواشناسی و استفاده از روش اصلاح آوایی به‌ویژه برای مدرسان در نظر گرفته نشده است.

گفتنی است که توانش آوایی و توانش ارتباطی از عناصر سازنده بیکره زبان‌اند و حرکات ارتباطی (حرکات هم‌راه زبان و نیمه‌زبانی) (Grevisse et Da Silva-Genest 2018; Pavelin 2002; Lapaire 2013) به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه بر چگونگی بازتولید آوای زبان در بافت ارتباطی تأثیرگذارند. در نتیجه، بازتولید آوایی در بافت تہی به معنای دستیابی زبان‌آموز به توانش آوایی متناسب در بافت تعاملات زبانی نیست، زیرا آواها در بافت ارتباطی حامل نیاتی هستند و چگونگی تولیدشان (ویژگی‌های زبرزنجیری) بیان‌کننده این نیات است. مونیہ (Meunier 2015) معتقد است که درک خوب و تولید صحیح واج‌ها در بافت ارتباطی به فهم فرازنجیری زبان‌آموز منجر می‌شود. به‌این دلیل است که شاهدیم که عوامل زبرزنجیری گفتار، که در موقعیت‌های ارتباطی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند، در این روش مدنظر قرار نمی‌گیرند. در نتیجه، پدیده‌های رایج گفتار فی‌البداهه ارتباطی جایگاهی در این روش آموزش آوایی ندارند. باید خاطر نشان ساخت که در زنجیره گفتار، آواها بر هم‌دیگر تأثیر می‌گذارند و این تأثیرات به‌گونه‌ای است که فرایند تولید آن‌ها را از لحاظ چگونگی بازتولید تغییر می‌دهند و لذا روش تولید عضوی که بر شفافی و دقت بازتولید آواها تمرکز دارد، توانایی ندارد حرکات عضوی آواها در زنجیره گفتار را به‌خوبی پیش‌بینی کند.

به‌منظور ارزش‌یابی تولید آوایی زبان‌آموزان برای سطح‌های متفاوت، جدول ارزش‌یابی در کتاب ارائه نشده و چگونگی آن برعهده مدرس قرار داده شده است. این درحالی است که به‌گفته نویسندگان در مقدمه، این کتاب آموزشی برای زبان‌آموزان دوره کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد در نظر گرفته شده است. یادآوری می‌شود که زبان‌آموزان در سطح‌های مختلف مهارت‌های زبانی متفاوتی کسب می‌کنند و در نتیجه در ارزش‌یابی آوایی نیز لازم است این نکته در نظر گرفته شود. این درحالی است که با شکل‌گیری چهارچوب مشترک اروپایی زبان‌ها، شاهد جدول‌های ارزش‌یابی تولیدات شفاهی و به‌ویژه توانایی آوایی برای سطح‌های متفاوت (A1, A2, B1, B2, C1, C2) هستیم.

۴. مسئله آموزش تلفظ معیار زبان خارجی

همان‌گونه‌که در دیباچه و فصل اول کتاب ذکر شده، هدف نویسندگان آموزش گویش و تلفظ فرانسه معیار یا به عبارتی تلفظ پارسی است. این درحالی است که «فرانسه معیار خود گونه‌ای از زبان فرانسه است که هیچ اطلاعات جامعه‌زبان‌شناختی (جغرافیایی، اجتماعی، و فردی) درباره گوینده نمی‌دهد، زیرا لهجه ندارد» (Canault 2017: 21). در فرایند یادگیری زبان خارجی، زبان‌آموزان سعی در فراگیری و بازتولید آوایی دارند که از نظر گویش و لهجه به مدل ارائه‌شده توسط روش آموزشی و مدرس نزدیک باشد و کم‌ترین تفاوت را با آن داشته باشد. لذا، از طرفی زبان‌آموز در همه مراحل فراگیری در معرض مدل زبانی قرار می‌گیرد که لزوماً همه گویش‌وران آن زبان را نمایندگی نمی‌کند و از طرف دیگر، گونه کاربردی (registre) زبان نیز با توجه به بافت ارتباطی در نظر گرفته نشده، زیرا هرگونه کاربردی از زبان (رسمی، عامیانه، و ...) در بازتولید آواها به روش متفاوتی عمل می‌کند؛ مانند تعداد پیوندهای (liaison) اختیاری. بنابراین، با در نظر گرفتن رویکردهای جدید آموزشی از قبیل ارتباطی و کنشی که بر اصل ایجاد ارتباط تأکید دارند، زبان‌آموزان به منظور تمرین درک شنیداری، که اساس برقراری ارتباط با گویش‌وران بومی است، بایستی به تدریج در معرض تلفظ‌ها، لهجه‌ها، و گونه‌های کاربردی متفاوت زبان خارجی قرار گیرند. چه بسا مدل آوایی تدریس‌شده با واقعیت‌های آن زبان در کاربرد روزمره گویش‌ورانش قرابت نداشته باشد. برای مثال، به کشیدگی آخرین هجای گروه ریتمیک (آهنگین) در آموزش زبان فرانسه معیار توجه خاصی نمی‌شود، که در این کتاب نیز بدان اشاره نشده است. این درحالی است که فرانسوی‌ها از این راه‌برد آوایی در گفت‌وگوهای روزمره استفاده می‌کنند و این ویژگی نوای گفتار نیز لزوماً باید به زبان‌آموز تدریس شود. بنابراین، فقط یک مدل آموزشی نمی‌تواند واقعیت و تنوع زبان گفتاری را ارائه کند؛ زبانی که در هر منطقه و ناحیه جغرافیایی ویژگی‌های آوایی متفاوتی دارد و از نشان‌گرهای فرهنگی و هویتی محسوب می‌شود. مطالعات آواشناسی در زمینه تحول نورم فرانسه معاصر توسط پژوهش‌گرانی چون بورل و بیلیر (Borrell et Billières 1989) و لوره (Lauret 2007) نیز بر این امر صحنه می‌گذارند که تلفظ زبان فرانسه مدلی یک‌پارچه و تغییرناپذیر را شکل نمی‌دهد.

نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد مسئله آموزش زبان شفاهی به‌روز و روزمره گویش‌وران در آموزش زبان خارجی است؛ زیرا برخی قواعد آوایی به‌مرور زمان و از نسلی به نسل دیگر دست‌خوش تغییرات می‌شوند و زبان فرانسه استفاده‌شده در دهه

۱۹۷۰ میلادی با آنچه امروزه رایج است دچار برخی دگرگونی‌ها شده است؛ مثلاً، امروزه فرانسه‌زبانان بسیاری از کلماتی را که دارای واژه‌های خیشومی [ɛ̃] یا [œ̃] است به‌روش مشابهی تلفظ می‌کنند.

نکته دیگری که در آموزش آوای زبان خارجی در شرایط واقعی کلاس نقش مهمی ایفا می‌کند اهمیت و جایگاه آواشناسی (تولید آوایی) از نظر مدرس و نقش او به‌عنوان انتخاب‌گر مدل یا مدل‌های آوایی مناسب برای آموزش است. گفتنی است که بومی‌بودن یا نبودن مدرس زبان خارجی نیز بر فرایند آموزش و یادگیری تأثیر به‌سزایی دارد. تا آن‌جاکه چنانچه مدرس با لهجه خاصی تمرین‌های ارائه‌شده بدون فایل صوتی را بازتولید کند، نمی‌توان مدل پیش‌نهادی این کتاب آموزشی را پیاده‌سازی کرد. هرچند این کتاب تا سال ۱۳۹۲ هشت دوره تجدیدچاپ شده است، باوجوداین، نبود تمرین‌های صوتی باکیفیت با صدای گویش‌وران بومی و حتی با لهجه‌های فرانسه‌زبانی برای سطح‌های متوسط و پیشرفته از جمله نقاط ضعف این کتاب آموزشی آواشناسی برای مقاطع کارشناسی و به‌ویژه کارشناسی‌ارشد زبان فرانسه برای دانشجویان ایرانی است که خود نیز دارای تنوع زبانی و گویشی هستند. بنابراین، مشکلات بازتولید آوایی زبان‌آموزان با توجه به زبان مادری نیز متنوع است و این کتاب آموزشی در چهارچوب ارائه برخی مشکلات آوایی زبان‌آموزان ایرانی در یادگیری زبان فرانسه نتوانسته تنوع زبانی و گویشی آن‌ها را مدنظر قرار دهد و تمرین‌های ویژه‌ای برای چگونگی بازتولید درست و شناسایی و تصحیح خطاهای آوایی در اختیار مدرسان و زبان‌آموزان قرار دهد؛ زیرا اولین عاملی که توانش آوایی در زبان خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ویژگی‌های زبان مادری است. به‌همین دلیل، بیش‌تر نظریه‌های آموزش زبان خارجی بر درک مشکلات آوایی زبان‌آموزان با درنظرگرفتن ساختار آوایی زبان مادری نه مقایسه تقابلی تأکید دارند.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب *آواشناسی فرانسه* از نظر نظم و انسجام درونی بخش‌های ارائه‌شده از جمله منابع موجود در زمینه آواشناسی تولیدی، ساختار منطقی و یک‌سان ارائه می‌دهد؛ اما همان‌گونه که مشاهده کردیم، سازکار دستگاه تولید آوایی، که می‌تواند به درک بهتر زبان‌آموز از عملکرد بازتولید یاری رساند، نادیده انگاشته شده است. علاوه براین، نبود تجزیه و تحلیل‌های نظری کافی و متناسب با زبان مادری زبان‌آموزان ایرانی به‌منظور اصلاح آوایی کارآمد نیز از جمله

نقاط ضعف آن است. روش آموزشی به‌کاررفته در کتاب برخی از توانایی‌های شناختی زبان‌آموز در فرایند یادگیری آوای زبان خارجی را مدنظر قرار نداده و زبان‌آموز فقط با شیوه‌نامه چگونگی بازتولید، قادر نخواهد بود تلفظ درست را ادا کند؛ زیرا یادگیرنده نقشی فعال در فرایند کشف و رمزگشایی از آواها و ترکیبشان در ساختار جملات در بافت ارتباطی بازی نمی‌کند.

در نقد و بررسی کتاب، تلاش بر این بود که بر این نکته نیز تأکید شود که تسلط بر نظام آوایی زبان خارجی فقط با قرارگرفتن در معرض آوای آن و در بافت تهی میسر نیست و لازم است که زبان‌آموزان به‌منظور یادگیری نظام آوایی در تماس با زبان گفتاری واقعی به‌روش‌های مختلف (استفاده از مستندات واقعی از قبیل فیلم، ترانه، و ...) قرار گیرند. بدین ترتیب، زبان‌آموزان با به‌کارگیری راه‌بردهای فردی و در وضعیتی بدون استرس قادر خواهند بود یادگیری زبانی و به‌ویژه آوایی‌شان را تحت نظارت مدرس بهبود بخشند. لزوم تمرکز بر مشکل دریافت آوایی زبان‌آموزان با توجه به مؤلفه‌های زبان مادری و سن برای هر کتاب آموزشی آوایی زبان خارجی لازم به‌نظر می‌رسد و در این راستا ارائه جدول‌های ارزش‌یابی آوایی و تمرین‌های هدف‌مند برای سطح‌های زبانی متفاوت بایستی در نظر گرفته شوند.

با وجود این‌که روش‌شناسی آواشناسی آهنگی - کلامی، که از نظر کاربردی و کارایی و به‌ویژه اصلاح آوایی در آموزش زبان‌های خارجی با آواشناسی تولیدی هم‌دوره است، در کتاب *آواشناسی فرانسه* نقش مؤثری ایفا نکرده است. هرچند آموزش زبان‌های خارجی در چند دهه اخیر تحت‌تأثیر رویکردهای آموزشی جدید (ارتباطی و کنشی) قرار گرفته است، آواشناسی اصلاحی همواره از روش‌های تولیدی و آهنگی - کلامی متأثر است. اما این روش‌ها نیز در به‌روزرسانی نظری و به‌کارگیری فناوری‌های جدید (نرم‌افزار، تصویر و فیلم سه‌بعدی، و ...) در جهت کارایی بهتر در آموزش زبان‌های خارجی می‌کوشند.

کتاب‌نامه

- جهان‌پناه، سیمین‌دخت (۱۳۶۴)، «اشتباهات فارسی‌زبانان در یادگیری نظام صوتی زبان فرانسه»، مجله رشد آموزش زبان تهران، وزارت آموزش و پرورش، دفتر تحقیقات، برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، س ۱، ش ۳.
- دیهم، گیتی و مهوش قویمی (۱۳۶۶)، *آواشناسی فرانسه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Abry, Dominique et Julie Veldeman-Abry (2007), *La Phonétique: Audition, Prononciation, Correction*, Paris: CLE.
- Billières, Michel (2015 a), "Enseigner La Prononciation D'une L2 Avec L'approche Articulatoire", Disponible Sur: <<https://www.verbotonale-phonetique.com/enseigner-prononciation-l2-approche-articulatoire>>.
- Billières, Michel (2015 b), "La Méthode Articulatoire", Disponible sur: <<https://www.verbotonale-phonetique.com/methode-articulatoire>>.
- Borrell, André et Michel Billières (1989), "L'évolution De La Norme Phonétique En Français Contemporain", *La Linguistique*, 25/2.
- Calbris, Geneviève et Jacques Montredon (1975), *Approche Rythmique, Intonative et Expressive Du Français Langue Étrangère*, Paris: Création Loisirs Enseignement International.
- Callamand, Monique (1981), *Méthodologie De L'enseignement De La Prononciation: Organisation De La Matière Phonique Du Français et Correction Phonétique*, Paris: Création Loisirs Enseignement International.
- Canault, Mélanie (2017), *La Phonétique Articulatoire Du Français*, Paris: De Boeck Supérieur.
- Companys, Emmanuel (1966), *Phonétique Française Pour Hispanophones*, Paris: Hachette.
- Delattre, Pierre (1951), *Principes De Phonétique Française: À L'usage Des Étudiants Anglo-Américains*, Middlebury, Vermont: École Française d'Été, Middlebury College.
- Delattre, Pierre (1965), *Comparing the Phonetic Features of English, French, German and Spanish: An Interim Report*, New York: Julius Groos Verlag.
- Delattre, Pierre (1951), *Studies in French and Comparative Phonetics*, The Hague: Mouton.
- Gharib, Massoumeh (1965), *Recherche Sur La Phonétique Du Persan et Du Français*, Besançon.
- Grevisse, Maurice et Christine Da Silva-Genest (2018), *Le Grevisse de l'orthophoniste: Grammaire essentielle*, Paris: De Boeck Supérieur.
- Landercy, Albert et Raymond Renard (1977), *Éléments de phonétique*, Bruxelles: Didier.
- Lapaire, Jean-Rémi (2013), "Reprises En Mains: Rejouer et Saisir La 'Vie De Mouvement' De La Parole", in: *Pour un Théâtre-Monde*, Bordeaux: Presses Universitaires de Bordeaux: <<https://halshs.archives-ouvertes.fr/halshs-01628917/document>>.
- Lauret, Bertrand (2007), *Enseigner la prononciation du français: questions et outils*, Paris: Hachette.
- Mazel, Jean (1980), *Phonétique et Phonologie Dans L'enseignement Du Français*, Paris: Nathan.
- Meunier, Christian (2015), *Petit Guide Pratique De La Phonétique Corrective du FLE*, Marseille: Edition du FLE Marseille.
- Pavelin, Bogdanka (2002), *Le Geste À La Parole*, Toulouse: Presses Universitaires du Mirail.
- Renard, Raymond (1979), *Introduction à la méthode verbo-tonale de correction phonétique*, Paris: Didier.

